

اصل پنجم

مزایای علمی و نظری قانون باید با مزایای عملی آن برابر و توأم باشد تا مورد قدرت افکار عمومی و محظورات ناشیه از آن واقع نشود.

یکی از عادات قانون گزاران پرحرارت این است که در وضع قوانین فقط به مزایای علمی آن توجه دارند و جنبه عملی آنرا در نظر نمیگیرند و افکار عمومی را مؤثر نمیدانند. برای تأمین سعادت عمومی و وصول به نیک بختی شتاب مینمایند در صورتیکه این عمل خود مانع بزرگی در راه رسیدن به هدف میباشد. اشتباه بزرگی که « ژرف دوم » مرتکب شد همین بوده است چه غالب تحولات و تغییراتی که او میخواست انجام دهد از لحاظ علمی مفید و نیکو بود ولی چون توجهی با افکار عمومی و استعداد و تمایل مردم و بالاخره بجرایب عملی آن نداشت، با اینکه هدفش مقدس و عالی بود بعلت این اشتباهات، تمام نقشه هایش نقش بر آب شد از اینگونه کسان بسیار بوده اند که فریب الفاظ و عبارات را خورده و سعادت عمومی را غیر از رضایت عمومی می پنداشته اند!

اصل ششم

ارزش قدرت افکار عمومی را میتوان با نظر گرفتن امور چهارگانه تعیین نمود:

- ۱- عده مخالفین .
- ۲- میزان قدرت آنان .
- ۳- درجه بدینی هر يك از آنان .
- ۴- مدت دوام این بدینی .

بنابراین اگر عده مخالفین کم باشد تغییر قانون قویاً ممکن الحصول خواهد بود، لیکن این نظر نباید مستلزم این باشد که قانون گزار از بذل توجه در باره آنان کوتاهی کرده و در تأمین نظر آنها دریغ نماید بلکه حتی اگر یک نفر هم یا تغییر قانون مخالف باشد، قانون گزار بایستی نظر و عقیده او را مراعات نموده و مورد توجه قرار دهد و نباید بهیچوجه نسبت باو عملی انجام دهد که بوی تحقیر و توهین بدهد و وظیفه قانون گزار است که در ب موافقت و رضایت و آشتی را همیشه بروی مخالفین باز بگذارد و نسبت بمقصرین و خطا کاران راه عفو و اغماض پیش گیرد و باید متوجه باشد که تغییرات مفید و موافق با مصالح مردم، خود بخود مورد استقبال عمومی قرار خواهد گرفت .

برای همه نوع از انواع نفرت، دوی مخصوصی است که قانون گزار لازم است آنرا مورد عمل قرار دهد مثلاً اگر نگرانی و نفرت و مخالفت عمومی از تغییر قانون بعلت خسارت مالی باشد که در اثر تغییر آنان وارد می شود بایستی آنرا با دادن مال جبران نمود و اگر موضوع سلب تسلط افراد بر مایملک آنان در میان است بوسیله دادن مال یا انواع دیگری میتوان آنرا ترمیم کرد و چنانچه موجبات یأس و نومیدی کسی فراهم

تأثیر زمان و مکان در قوانین

آید ، باید بوسائل مقتضی درب امید برویش باز نمود (باصول و قواعدی که وسیله ضمیمه شدن ایرلند و اقیانوسیه را بانگلستان فراهم نموده است ، مراجعه شود .)

اصل هفتم

برای جلوگیری از نفرت و مخالفت عمومی ، وضع قوانین از راه غیر مستقیم مفیدتر و عملی تر از راه مستقیم و باملایمت رفتار کردن بهتر از راه خشونت پیش گرفتن است .

بنابراین برای تأمین منافع عمومی و سعادت مردم بهتر آنستکه قبل از وضع قانون ، به پند و اندرز ، و اعلام مزایا و محاسن قانون متوسل شد و حتی اگر ممکن باشد آنها را عملاً قائم مقام قانون قرار داد ، چنانکه در انگلستان تلقیح عمومی را بوسیله بیان فواید و منافع آن و آگاه کردن عامه مردم از موارد استعمال و نتایج حاصله از آن عملی ساختند ، بدون اینکه متوسل بقانون و وضع مقررات بشوند و همین نمونه کافی است که بگوئیم لازم نیست مردم را فقط بوسیله مستقیم وضع قانون موظف بانجام کاری بنمائیم و یا از انجام عملی جلوگیری کنیم چه ممکن است ، بلکه بسیار دیده می شود که این امر موجب تشویش اذهان عمومی و خانوادگی را فراهم می آورد و بجای اثرات مفید تأثیرات زیان بخشی ایجاد میکند .

«کاترین دوم» وقتی که خواست اشراف روسیه را که مشاغل نظامی را برخلاف شئون خود می پنداشتند ، وارد خدمات نظامی نماید ، باسهارت و استادی فوق العاده ای که در فن روانشناسی و تسلط بر افکار داشت ، برای این منظور متوسل بقانون و وضع مقررات نگردید ، بلکه مناصب و درجات و مزایای اجتماعی و مادی و معنوی کارمندان لشگری را بقدری بالا برد و مورد اهمیت و توجه قرار داد که خدمات و درجات کارمندان کشوری تحت الشعاع واقع شد و اشراف و اعیان مملکت از بیم اینکه مبادا زیر دست زبردستان خود قرار گیرند در ورود بخدمت ارتش و اشتغال درجات نظامی از یکدیگر سبقت جستند و از آن استقبال نمودند .

اصل هشتم

وقتی که قانون گزار بخواهد یکدسته از قوانین خارجی را وارد قوانین داخلی بنماید ، بایستی از قانونی شروع کند که ساده تر و قابلیت پذیرش آن بیشتر باشد .



شہرہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شہرہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی